

کتاب یوئیل و کلیسای لائودکیایی ادونتیست‌های روز هفتم

- شماره ده

Jeff Pippenger

2025-12-14

شماره ده

ما بخشی از رؤیای اشعیا را مورد توجه قرار می‌دهیم که از باب هفتم آغاز می‌شود و تا پایان باب دوازدهم ادامه می‌یابد. این کار را از آن رو انجام می‌دهیم که در سال ۱۸۵۰ «خداوند بار دیگر دست خود را دراز کرد تا» قوم باقی‌مانده خویش را گرد آورد. ما نشانه‌های راه ۱۸۴۴ تا ۱۸۶۳ را در جای خود قرار می‌دهیم. «۱۸۵۰» و گردآوری دوم یکی از آن نشانه‌های راه است.

هنگامی که رؤیای اشعیا در آیه نخست فصل هفتم آغاز می‌شود، هر زمان که تعبیری مشابه «در آن روز» به صورت ارجاعی به کار رود، باید در چارچوب نبوی تثبیت‌شده فصل هفتم قرار داده شود. یکی از کلیدهای تقسیم درست این رؤیا آن است که دریابیم نبوت بر پایه اصول تکرار و بسط عمل می‌کند، و این قاعده در این رؤیا جاری است.

حقیقت‌های گوناگون نبوی که در رؤیای اشعیا، از فصل ششم آغاز می‌شوند، باید از این منظر مورد توجه قرار گیرند که «نخست و پیش از همه»، اشعیا نمایانگر نفسی است که در ۹/۱۱ مسح شده است تا اعلام کند که باران آخر رسیده است. در آن چارچوب تقدیس‌شده، فصل هفتم اشعیا همان ترسی را به تصویر می‌کشد که نبی در فصل ششم آن را نمایان ساخت، آنگاه که این پرسش را مطرح کرد که «تا به کی» باید پیام ۹/۱۱ را به کلیسایی مرتد برساند که «چشم داشت اما از دیدن امتناع می‌ورزید و گوش داشت اما از شنیدن سر باز می‌زد»؟

در این رؤیا، آحاز پادشاه شیر و نادان، نمادی لائودیکیه‌ای است که هشدار پیام باران آخر را، آن‌گونه که از سوی دیدبانانی که با آحاز شیر و نادان—که در اشعیا و پسرانش نمایان شده است—روبه‌رو می‌شوند، عرضه می‌گردد، نخواهد پذیرفت.

۹/۱۱ در تاریخ نبوتی دانیال ۱۱:۴۰ فرا رسید؛ بنابراین، هنگامی که اشعیا در باب ششم در ۹/۱۱ قرار داده می‌شود، از نظر نبوتی درون آیه چهل دانیال ۱۱ قرار می‌گیرد، اما مهم‌تر از آن، او درون «تاریخ پنهان آیه چهل» قرار دارد. تاریخ پنهان آیه چهل از زمانی آغاز شد که این آیه در سال ۱۹۸۹ با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به انجام رسید. از ۱۹۸۹ تا قانون یکشنبه آیه چهل‌ویک، «تاریخ پنهان آیه چهل» است که به وسیله شیر سبط یهودا، در همان «تاریخ پنهان»، گشوده می‌شود. آنچه این مطلب در بررسی ما از اشعیا به عنوان پیام‌آور باران آخر پس از ۹/۱۱ مشخص می‌سازد، این است که یک بخش از پیام باران آخر که اشعیا اعلام می‌کند عبارت است از—دانیال ۱۱، آیات ۴۱ تا ۴۵.

به‌گونه‌ای نبوی، اشعیا در باب دهم بر ۱۱ سپتامبر ایستاده است و هشدار عرضه می‌دارد که رویداد بعدی بی‌درنگ، «فرمان ناعادلانه» است که همان قانون یکشنبه می‌باشد و در آیه چهل و یک دانیال یازدهم به تصویر کشیده شده است. تمثیل اشعیا از پیام باران آخر در چارچوب «تاریخ پنهان» آیه چهل - پس از ۱۱ سپتامبر - قرار گرفته است. تحقق آیه چهل در سال ۱۹۸۹، اشعیا را پس از ۱۹۸۹، در ۱۱ سپتامبر قرار می‌دهد؛ جایی که او با زغالی از مذبح مسح می‌شود. اشعیا نمایانگر قاصدی است که پیام او شش آیه پایانی دانیال یازدهم را در بر می‌گیرد.

اشعیا به صراحت بیان می‌کند که او و فرزندانش برای آیات و شگفتی‌ها هستند. در باب هفت، آیه سه، اشعیا و پسرش نزد مجرای برکه بالایی، در راه میدان رخت‌شویان، قرار دارند. اشعیا در حال ارائه پیام باران آخر است که در باب شش برای اعلام آن مسح شده بود، و او بر سه نماد باران آخر ایستاده است، و نیز با فرزندش شعیاریاشوب. مجرای برکه بالایی اشاره‌ای نبوی است به آن دو لوله پر از روغن طلایی که زکریا آن‌ها را مشخص می‌سازد و خواهر وایت بارها درباره آن‌ها اظهار نظر می‌کند، [که] پیام برآمده از مجرای برکه بالایی را در پیام باران آخر مشخص می‌سازند.

راه اشعیا زکریا کی دو نالیوں سے مربوط ہے، اور ایلین وائٹ کی تشریح زکریا کی دس کنواریوں کی تمثیل کے ساتھ باہم پیوست کرتی ہے۔ اشعیا چھٹے باب میں اُس وقت خاک میں مل کر فروتن ہو جاتا ہے جب وہ خداوند کے جلال کو دیکھتا ہے۔ وہ اس پیغام کو، جو تیسری آیت میں ممتل ہے، اُس پیغام کے طور پر لے جانے پر رضامند ہوتا ہے جو خدا کے جلال سے زمین کو منور کرتا ہے۔ اور وہ مذبح سے لیے ہوئے ایک انگارے کے ذریعے پاک کیا جاتا ہے، اور پھر اُس حوض کے پاس کھڑا ہے جو بالائی حوض کے پانی سے بنایا گیا ہے۔ اٹھائیسویں باب میں اشعیا پچھلی بارش کے پیغام کو "سطر پر سطر" کے طور پر متعین کرتا ہے، اور تیسری آیت میں بالائی حوض نبوت کی کئی سطروں کی نمائندگی کرتا ہے۔

١٧/١١، کہ نماینده نفسی در ٩/١١ است، تنها در صورتی در آنجا که روغن زرین از حوض بالایی فرو می‌آید ایستاده خواهد بود که آن نفس راه نیکو را طلب کرده باشد؛ راهی که به طریق کهن ارمیا منتهی می‌شود، و آن همان «شاهراه» (طریق) نزد مزرعه گازران» اشعیاست که «آرامی» ارمیا در آن یافت می‌شود. پیام باران آخر اشعیا نه تنها بر خط ده باکره، خط دو لوله زرین زکریا، و خط طریق کهن ارمیا مبتنی است، بلکه اشعیا همچنین در «مزرعه گازران» ایستاده است، جایی که رسول عهد پسران لاوی را همچون نقره و طلا تصفیه و پاک می‌سازد.

این کاری نبوتی بسیار آسان است که خطوط دیگر را به آیه سوم باب هفتم وارد کنیم. روغن زکریا و ده باکره به نردبان یعقوب و دو آیه نخست مکاشفه پیوند می‌یابد، زیرا همگی به فرایند ارتباط میان خدا و انسان می‌پردازند. طریق قدیم ارمیا شامل «دیدبان»ی است که کرنا را به صدا درمی‌آورد؛ همان کرنا که آحاز پادشاه شریر و جاهل از شنیدن آن سر باز می‌زند. آن کرنا همه کرناهای نبوت، و نیز دیدبانان نبوتی را، به «شاهراه» اشعیا فرا می‌خواند؛ جایی که اشعیا و پسرش ایستاده‌اند تا پیامی را به رهبر لائودیکیه برسانند.

اشعیا و پسرش، شآریشوب، که معنایش «باقی‌مانده‌ای بازخواهد گشت» است، با هم ایستاده‌اند و اعلان پیام باران آخر را که در ١١ سپتامبر رسید، به تصویر می‌کشند. آنان به دیدار آحاز پادشاه شریر می‌روند، و به عنوان پدر و پسر، نمادی از آلفا و امگا، یعنی قاعده اصلی روش‌شناسی «خط بر خط» را نمایندگی می‌کنند. «خط بر خط» همان قاعده‌ای است که به واسطه اصل «روز/سال» میلری‌ها به صورت نمادین مجسم شده بود.

به تاریخ 11 اوت 1840، نبوتی درباره اسلام از وای دوم مکاشفه نهم به انجام رسید و اصل «روز/سال» میلری تأیید شد؛ و بدین‌سان پیشگویی میلر درباره 1843 که بر اصل روز/سال مبتنی بود، اعتبار و قوت یافت. به تاریخ 11 سپتامبر 2001، نبوتی درباره اسلام از وای سوم مکاشفه نهم، دهم و یازدهم به انجام رسید و اصل آلفا (8-11-1840) و امگا (9/11) تأیید گردید، آنگاه که فرشته نیرومند مکاشفه هجدهم، هم‌زمان با فرو ریختن بناهای عظیم نیویورک، فرود آمد—چنان‌که فرشته نیرومند مکاشفه دهم نیز در 11 اوت 1840 فرود آمده بود، هنگامی که آلفایی که امگا را تمثیل می‌کرد، به انجام رسید.

نه تنها اشعیا و پسرش اصل بنیادین «خط بر خط» را نمایندگی می‌کنند، بلکه پیام ایلیا را نیز نمایندگی می‌کنند؛ پیامی که در قالب رابطه پدر و فرزندانش به تصویر کشیده شده است. پیام ایلیا که درست

پیش از روز عظیم و مهیب خداوند اعلام می‌شود، پیامی را مشخص می‌سازد که درست پیش از آغاز داوری‌های اجرایی خدا فرا می‌رسد. داوری‌های اجرایی خدا نمایانگر دوره‌ای است که «روز عظیم و مهیب خداوند» خوانده می‌شود. آن دوره از قانون یکشنبه آغاز می‌شود و تا هفت بلای آخر ادامه می‌یابد. آن دوره با قانون یکشنبه آغاز می‌شود و با هفت بلای آخر پایان می‌پذیرد. از این‌رو، پیام ایلیا بر اصل آلفا و امگا مبتنی است، همراه با هشدار نزدیک بودن بسته شدن زمان آزمایش. با پیام ایلیا همچنین خطوط گوناگون نبوت نیز همراه است که بر ایلیا مبتنی‌اند؛ زیرا ایلیا، بنا بر گفته عیسی، نماینده یحیی تعمیددهنده بود، و هم ایلیا و هم یحیی، بنا بر گفته خواهر وایت، نماینده ویلیام میلر بودند؛ و ایلیا و یحیی تعمیددهنده با هم، هم آن یکصد و چهل و چهار هزار نفر را نمایندگی می‌کنند (ایلیا)، و هم جماعت عظیم مذکور در مکاشفه هفت را (یحیی).

اشعیا و پسرش بر سر طریق‌های کهن ایستاده‌اند، که همان بنیادها هستند، و روغن زرین را دریافت می‌کنند؛ زیرا ایشان باکره‌گان حکیم‌اند که از فرایند تطهیر گازر می‌گذرند؛ فرایندی که در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ به انجام رسید و نمونه‌وار قانون یکشنبه را پیش‌نگاشت می‌کرد. اشعیا و آن باقی‌ماندگانی که باز می‌گردند، (زیرا معنای نام پسرش، شیار جاشوب، همین است)، نمایانگر آن باقی‌ماندگانی هستند که در ۱۱ سپتامبر به طریق‌های کهن «باز می‌گردند». رابطه پدر و باقی‌ماندگان، که همچنین رابطه آلفا و امگا است، و نیز همان رابطه ایلیایی «دل‌های پدران و فرزندان» است، نشان می‌دهد که پدر میلر و رابطه او با جنبش باقی‌مانده فرشته اول، جنبش آلفای فیلا دلفیا بوده است. در جنبش آلفا، پدر میلر به‌عنوان ایلیا و یحیی تعمیددهنده شناخته می‌شد؛ همان کسی که عیسی او را آن رسولی معرفی کرد که راه را برای رسول عهد مهیا ساخت. تمامی آن تحقق‌های نبوی در تاریخ آلفای فرشته اول و دوم، در تاریخ امگای فرشته سوم تکرار می‌شود.

حقایق مهم‌تری درباره تمثیل اشعیا در رؤیا وجود دارد، اما در اینجا ما صرفاً مشخص می‌کنیم که اشعیا به‌طور خاص در حال شناسایی حقایق گوناگونی است که قلب پیام باران آخر ۱۱ سپتامبر را تشکیل می‌دهند. همه این خطوطی که همین‌اکنون بررسی کرده‌ایم، و البته بسیاری خطوط دیگر، در آیه سه از باب هفت قرار دارند.

در آیه هشت، حقیقت نبوی شدت می‌یابد، زیرا کلیدی را شناسایی می‌کند که «تاریخ پنهان آیه چهل» را می‌گشاید؛ و به‌طرزی شگفت‌انگیز، همان کلید در همان آیه‌ای معرفی شده است که آغاز هر دو نبوت زمانی ۲۵۲۰ ساله در آن مشخص گردیده است.

زیرا سر آرام، دمشق است، و سر دمشق، رصین؛ و در ظرف شصت و پنج سال، افرایم چنان شکسته خواهد شد که دیگر قومی نخواهد بود. و سر افرایم، سامره است، و سر سامره، پسر رملیا.

اگر ایمان نیاورید، یقیناً استوار نخواهید ماند. اشعیا ۷:۸، ۹.

تصویر اشعیا از پیام باران آخر، «هفت زمان» موسی را نیز در بر می‌گیرد، زیرا نبوت شصت و پنج ساله آیه هشت، نقطه آغاز پراکندگی ۲۵۲۰ ساله هر دو پادشاهی شمالی و جنوبی اسرائیل را مشخص می‌سازد. در همان آیه، کلیدی نیز نهفته است که سه خط نبوی مربوط به فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۸۹ در دانیال یازده آیه چهل، همراه با آیه ده دانیال یازده، و نیز آیه هشت اشعیا هشت را می‌گرداند. با این سه خط (اشعیا ۸:۸، دانیال ۱۱:۱۰، ۴۰)، کلید همان «سرها»ی آیات هشت و نه است. هنگامی که کلید «سرها» بر آن سه آیه موازی اعمال شود، در تاریخ جنگ اوکراین و جنگ جهانی سومی که به‌زودی خواهد آمد، گشوده می‌شود. وقتی آن در نبوی گشوده شود، آنگاه آیات یازده تا شانزده دانیال یازده، تاریخی موازی با آیه چهل دانیال یازده پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در ۱۹۸۹ دیده می‌شوند. گشوده شدن «تاریخ پنهان آیه چهل» حقیقتی است که یکی از شمار

اندکی از حقایق به شمار می‌آید که مشخص شده است در پیوند با گشوده شدن مکاشفه عیسی مسیح، اندکی پیش از بسته شدن مهلت فیض، مهرگشایی می‌شوند.

باب هشتم اشعیا با واژه «علاوه بر این» آغاز می‌شود، و بدین‌سان نشان می‌دهد که باب هشتم باید بر فراز باب هفتم قرار گیرد. افزون بر این که نخستین واژه «علاوه بر این» است، آیه سه از باب هشتم نیز با آیه سه از باب هفتم به‌عنوان شاهدی دوم به هم پیوسته است که این دو باب باید «سطر بر سطر» به کار برده شوند. هر دو آیه «سه» یکی از پسران اشعیا را معرفی می‌کنند که نام‌های هر دو به پیام نبوی درون این روایت دلالت دارد. «شیعاریاشوب» به معنای «باقی‌مانده‌ای بازخواهد گشت» است و «ماهرشلال‌حاش‌باز» به معنای «شتابان به سوی غنیمت» است. نخست «شیعاریاشوب» ذکر می‌شود، سپس «ماهرشلال‌حاش‌باز» (که طولانی‌ترین نام در کتاب مقدس است). آلفا که با «1» نمود یافته، کوچک‌تر است و در این مورد حتی به‌عنوان «باقی‌مانده» نیز معرفی شده است؛ و امگا که با «22» نمود یافته، بزرگ‌تر است و با بزرگ‌ترین نام در کتاب مقدس بازنمایی می‌شود، در حالی که حرکات شتابان قانون یکشنبه را نمادپردازی می‌کند.

بازمانده آلفا، که به‌وسیله شئارجاشوب نمایانده شده است، در آیه سه با پدرش اشعیا همراه است. آنان با هم یک آلفا و یک امگا هستند، و در مکانی ایستاده‌اند که از سه اشاره متمایز به باران آخر تشکیل شده است.

پس خداوند به اشعیا گفت: «اکنون بیرون برو تا به ملاقات آحاز بروی، تو و شیعاریاشوب پسرت، در انتهای آب‌گذر برکه بالایی، در شاهراه مزرعه گازران.» اشعیا 7:3.

اشعیا نماد یکصد و چهل و چهار هزار تن است و در نمایندگی فراخوان 11/9، اشعیا همچنین نماینده فراخوان ژوئیه 2023 نیز هست. در 11/9، اشعیا یک لائودیکیه‌ای است که به‌وسیله یعقوب غاصب نمایانده می‌شود؛ همان که قرار بود حق نخست‌زادگی عیسو را بگیرد، آنگاه که آدونتیسم از دهان خداوند بیرون افکنده می‌شود؛ و در 2023، اشعیا نماینده اسرائیل غالب است. اشعیا نماینده کسی است که پیام خدا را عرضه می‌کرد، اما به این حقیقت بیدار می‌شود که لائودیکیه‌ای است، و سپس اخگری او را تطهیر می‌کند تا به یک فیلادلفیه‌ای بدل شود.

«اشعیا دیدی شگفت‌انگیز از جلال خدا داشت. او تجلی قدرت خدا را دید، و پس از مشاهده کبرپایی او، پیامی به وی رسید تا برود و کاری معین را انجام دهد. او خود را برای آن کار بالکل ناشایسته احساس کرد. چه چیز سبب شد که خود را ناشایسته بدانند؟ آیا پیش از آنکه نمایی از جلال خدا را ببیند، خویشتن را ناشایسته می‌پنداشت؟—خیر؛ او خود را در حضوری عادلانه در برابر خدا تصور می‌کرد؛ اما هنگامی که جلال یهوه صباپوت بر او مکشوف شد، آنگاه که عظمت وصف‌ناپذیر خدا را مشاهده کرد، گفت: "وای بر من، که هلاک شده‌ام؛ زیرا مردی ناپاک لب هستم، و در میان قومی ناپاک لب ساکنم؛ زیرا چشمانم پادشاه، یهوه صباپوت، را دیده است. آنگاه یکی از سرافین نزد من پرید، در حالی که اخگری افروخته در دست داشت، که آن را با انبر از روی مذبح گرفته بود، و آن را بر دهانم نهاد و گفت: اینک، این لب‌هایت را لمس کرده است؛ و عصیان برداشته شد و گناهت کفاره گردید." این همان کاری است که ما، به‌عنوان افراد، نیاز داریم برای ما انجام شود. ما می‌خواهیم آن اخگر زنده از روی مذبح بر لب‌های ما نهاده شود. ما می‌خواهیم آن سخن را بشنویم که گفته می‌شود: "عصیان برداشته شد و گناهت کفاره گردید" Review and Herald, June 4, 1889

«تا چه مدت» در اشعیا باب شش، نمادی از ۱۱ سپتامبر تا قانون یکشنبه است، و باب شش بازنمایی ۱۱ سپتامبر می‌باشد. باب‌های هفت تا نه پیامی را عرضه می‌کنند که اشعیا به رهبری مرتد یهودا داد، و نیز تمثیلی را که در زمان مهر شدن صد و چهل و چهار هزار تن، هنگامی که مستان افرایم می‌لغزند،

به وقوع می‌پیوندد. در همان رؤیا، اشعیا ثبت می‌کند:

هان، من و فرزندی که خداوند به من بخشیده است، از جانب یهوه صباوت که در کوه صهیون ساکن است، برای آیات و شگفتی‌ها در اسرائیل هستیم. اشعیا ۸:۸

اشعیا و فرزندان‌ش نشانه‌هایی در میان معماهای یافت‌شده در فصل‌های هفت تا نه هستند. فصل‌های هفت تا نه، از حیث هرگونه اشاره به «آن روز» یا «آن زمان»، نقطهٔ ارجاع تمامی رؤیاست. آیهٔ هجده تصریح می‌کند که اشعیا و پسرانش نشانه‌اند، و آیاتی که آیهٔ هجده را در میان گرفته‌اند، دورهٔ زمانی‌ای را مشخص می‌کنند که در آن این نشانه‌ها باید شناخته شوند.

و بسیاری از ایشان لغزش خواهند خورد، و خواهند افتاد، و شکسته خواهند شد، و در دام گرفتار خواهند آمد، و اسیر خواهند گردید. شهادت را ببند، و شریعت را در میان شاگردان من مهر کن. و من برای خداوند که روی خود را از خاندان یعقوب پنهان می‌دارد، انتظار خواهم کشید، و به او چشم خواهم دوخت.

نگاه کنید، من و فرزندی که خداوند به من عطا فرموده است، از جانب یهوهٔ صباوت که در کوه صهیون ساکن است، در اسرائیل برای آیات و نشانه‌ها هستیم. اشعیا ۸:۱۵-۱۸

کسانی که «منتظر خداوند» هستند، به وسیلهٔ اشعیا و دو پسرش نمایانده شده‌اند. ایشان همان کسانی هستند که خداوند «روی خود را» از ایشان پنهان کرده بود؛ و این صفتی است که بر آنان که پس از ژوئیهٔ ۲۰۲۳ به الزامات دعای لاویان بیست‌وشش بیدار می‌شوند، صدق می‌کند. آنان به این حقیقت بیدار می‌شوند که اقرارشان باید این را نیز دربر گیرد که خداوند با ایشان به مخالفت رفتار کرده بود؛ یعنی روی خود را از ایشان پنهان ساخته بود.

"شهادت را ببند، شریعت را مهر کن" همان مهر شدن یک‌صد و چهل و چهار هزار است که در تقابل با «بسیاری» قرار دارند. «بسیاری» خوانده می‌شوند، اما اندکی برگزیده می‌گردند. بسیاری در برابر اشعیا و دو پسر او، که نمایندگان آن اندکان‌اند، قرار داده شده‌اند. «بسیاری» همان پنج باکره جاهل هستند، و از این‌رو پنج چیز بر ایشان واقع می‌شود: «می‌لغزند، و می‌افتند، و شکسته می‌شوند، و در دام گرفتار می‌آیند، و گرفتار می‌شوند.» آنان می‌لغزند زیرا پیام باران آخر را رد کرده‌اند.

زیرا او با لب‌های الکن و به زبانی دیگر با این قوم سخن خواهد گفت. آنان را گفت: این است آرامش که با آن می‌توانید خسته را آرامی بخشید؛ و این است آسایش؛ لیکن ایشان نخواستند بشنوند. اما کلام خداوند برای ایشان چنین بود: حکم بر حکم، حکم بر حکم؛ قاعده بر قاعده، قاعده بر قاعده؛ اینجا اندکی و آنجا اندکی؛ تا بروند و از پشت فرو افتند و شکسته شوند و در دام گرفتار آیند و اسیر گردند. اشعیا ۱۱:۲۸-۱۳

در زمان مهرگذاری باب هشتم، اشعیا سقوط شریران را، که آهاز نمونهٔ آن است، توصیف می‌کند، و همان گروه را در آیهٔ سیزدهم باب بیست‌وهشتم نیز مشخص می‌سازد. علت این‌که آنان «سقوط می‌کنند» این است که پیام باران آخر را، که برای ایشان «حکم بر حکم» بود و به وسیلهٔ کسانی عرضه می‌شد که به صورت صاحبان لب‌های الکن به تصویر کشیده شده‌اند، رد می‌کنند. یهودیان خرده‌گیر در روز پنتیکاست شاگردان را به مستی متهم کردند، زیرا نمی‌توانستند پیام را درک کنند. در نظر ایشان، این پیام به وسیلهٔ لب‌های الکن ارائه می‌شد.

در آیهٔ سوم از فصل هفتم، اشعیا در نسبت با پسرش شیعاریا شوب آلفای نبوی است؛ او نیز به نوبهٔ خود در نسبت با پدرش امگا است، اما همچنین در نسبت با برادرش آلفا است. آنان به عنوان نمایندگان آلفا و امگا در جایی می‌ایستند که دو لولهٔ زرین از قدس آسمانی حوضی پدید می‌آورند، درست در کنار شاهراه راه کهن ارمیا در مزرعه‌ای که در آن کتان از لکه‌ها به سپیدی خالص دگرگون می‌شود،

آنگاه که فرستاده عهد پسران لاوی و نیز اشعیا و شعیاریاشوب را تطهیر می‌کند. چون به آنجا می‌رسد، پیام راه کهن موسی، یعنی «هفت بار» لاویان بیست‌وشش، را به آواز پادشاه شیر و ابله عرضه می‌دارد؛ پیامی که در همان آیه برقرار می‌سازد که «سر» عبارت است از یک پادشاه، یا پادشاهی آن پادشاه، یا شهر پایتخت یک پادشاهی.

آن کلید نور کلام خدا را می‌گشاید تا جنگ اوکراین که در سال ۲۰۱۴ آغاز شد، به منزله موضوعی از نبوت کتاب مقدس دیده شود که به صورت نمادین در حال وقوع در زمان مهر شدن صد و چهل و چهار هزار و در تاریخ سه رئیس‌جمهور آخر ایالات متحده به تصویر کشیده شده است. باران آخر در پیام خود به وسیله اشعیا در باب‌های ده و یازده ترسیم شده است، و آن تاریخ داخلی و خارجی شش آیه آخر دانیال یازدهم را توصیف می‌کند. آیه نخست، یعنی آیه چهل، به وسیله اشعیا در باب‌های شش تا نه مصور شده است، و سپس در باب‌های ده و یازده، پیام گشوده شده در تاریخ‌های داخلی و خارجی سال ۱۹۸۹ بیان گردیده است. هر عنصر اصلی پیام باران آخر در این رؤیا به تصویر کشیده شده است.

آیات پایانی باب دهم همان تاریخ نبوی را مشخص می‌کنند که آیات پایانی باب یازدهم به تصویر می‌کشند. باب دهم بعد بیرونی است و باب یازدهم بعد درونی. در کتاب مکاشفه، هفت کلیسا بعد درونی‌اند و مهرها بعد بیرونی. در آیات پایانی باب دهم، قدرت پاپی در گذرگاهی موازی با آمدن قدرت پاپی به پایان خود، بی‌آنکه کسی یاری‌اش کند، در آیه چهل‌وپنجم دانیال یازده، دست خود را بر ضد اورشلیم تکان می‌دهد.

او در آن روز هنوز در نوب خواهد ماند؛ و دست خود را بر ضد کوه دختر صهیون، تپه اورشلیم، خواهد جنباند. اینک خداوند، یهوه صباوت، شاخه را با هراس خواهد برید؛ و بلندبالایان قامت فرو افکنده خواهند شد، و متکبران خوار خواهند گردید. و انبوه‌های جنگل را با آهن قطع خواهد کرد، و لبنان به دست نیرومندی فرو خواهد افتاد. اشعیا ۳۲:۱۰-۳۴.

پایان باب دهم، ختم مهلت آزمایش انسان است، و پایان باب یازدهم دانیال نیز در همان‌جا به پایان می‌رسد.

و او خیمه‌های قصر خویش را در میان دریاها، بر کوه مقدس جلال، برپا خواهد کرد؛ اما به پایان خود خواهد رسید، و هیچ‌کس او را یاری نخواهد داد. و در آن زمان میکائیل، آن رئیس عظیمی که برای فرزندان قوم تو ایستاده است، برخواید خاست؛ و زمان تنگی‌ای پدید خواهد آمد چنان‌که از هنگامی که امتی پدید آمده است تا آن زمان هرگز نبوده؛ و در آن زمان، قوم تو، هر که در کتاب مکتوب یافت شود، رهایی خواهد یافت. دانیال ۱۱:۴۵، ۱۲:۱

باب دهم در آیه نخست با «فرمان ناعادلانه» آغاز می‌شود که خواهر وایت آن را قانون یکشنبه معرفی می‌کند.

افسوس بر آنان که احکام ناعادلانه صادر می‌کنند، و آنان که مشقت را که مقرر داشته‌اند می‌نویسند. اشعیا ۱۰:۱.

باب دهم از قانون یکشنبه آغاز می‌شود که با آیه چهل‌ویک باب یازدهم دانیال مطابقت دارد، و با موازاتی نسبت به برخاستن میکائیل در تاریخ آیه چهل‌وپنجم دانیال یازده به پایان می‌رسد.

«یک سبت بت پرستانه برپا شده است، همان‌گونه که آن تمثال زرین در جلگه‌های دورا برپا گردید. و چنان‌که نبوکدنصر، پادشاه بابل، فرمانی صادر کرد که هر که در برابر این تمثال سر فرود نیاورد و آن را پرستش نکند، کشته شود، همچنین اعلامی صادر خواهد شد که هر که نهاد یکشنبه را حرمت نهد، به زندان و مرگ مجازات خواهد شد. بدین‌سان سبت خداوند زیر پا نهاده می‌شود. اما خداوند اعلام کرده است: «وای بر آنان که احکام ناعادلانه صادر می‌کنند و مشقت‌هایی را

می‌نویسند که خود مقرر داشته‌اند" [اشعیا 10:1]. [صفنیا 14:1-18؛ 2:1-3، نقل شده.]
Manuscript Releases, جلد 14، 91.

در «زلزله عظیم» مکاشفه یازده، که در آیه سیزده نمایانگر قانون یکشنبه است، سه نماد از اسلام با آن «زلزله» مرتبطاند که آن وحش زمین مکاشفه سیزده را، هنگامی که چون اژدها سخن می‌گوید، به لرزه درمی‌آورد. در اشعیا باب ده، قانون یکشنبه به صورت «فرمانی ناعادلانه» معرفی شده است که «وای» بر آن اعلام گردیده است. در «زلزله عظیم» مکاشفه یازده، از آیه سیزده تا آیه هجده، اسلام وای سوم با چهار نماد از اسلام و با ضربه‌ای که در هنگام قانون یکشنبه بر ایالات متحده وارد می‌سازد، شناسانده می‌شود؛ «و در همان ساعت زلزله عظیمی روی داد»، و «وای دوم گذشت؛ و اینک وای سوم به زودی می‌آید. و فرشته هفتم نواخت» «و امت‌ها خشمگین شدند.»

دانیال باب یازدهم از آیه چهارویک تا آیه چهل‌وپنج، قدرت پاپی را به تصویر می‌کشد، آنگاه که پاپیت به پایان خود می‌رسد. آیه چهل بخشی از روایت باب دهم نیست، زیرا اشعیا در حال به تصویر کشیدن «تاریخ پنهان» آیه چهل است، آنگاه که پیام باران آخر به کلیسایی مرتد، که به وسیله آحاز نمایندگی می‌شود، عرضه می‌گردد. نتیجه‌گیری باب یازدهم همان رهایی از قدرت پاپی را در همان تاریخ نشان می‌دهد.

ا خداوند زبان دریای مصر را به کلی نابود خواهد کرد؛ و با باد نیرومند خویش دست خود را بر نهر خواهد افشاند، و آن را به هفت شاخه خواهد زد، و مردمان را چنان خواهد ساخت که خشک‌پا عبور کنند. و برای بازماندگان قوم او که از آشور باقی خواهند ماند، شاهراهی خواهد بود؛ چنان که برای اسرائیل در روزی که از سرزمین مصر برآمد، بود. اشعیا 11:15، 16

فصل دهم اشعیا ظاهر همان تاریخ است، و فصل یازدهم باطن همان تاریخ. موازات ظاهر و باطن در کلام خدا فراوان است، و این دو فصل موازی، هشدار فرشته سوم را آن‌گونه که به وسیله اشعیا بازنموده شده است، به تصویر می‌کشند. هشدار فرشته سوم به شیوه‌های گوناگون از طریق الهام خلاصه شده است، اما یکی از تقسیم‌بندی‌های بسیار سودمند این هشدار آن است که رویدادهای مربوط به بسته شدن در فیض را نشان می‌دهد و نیز بر ضرورت آمادگی شخصی تأکید می‌ورزد. فصل دهم اشعیا رویدادهاست، و فصل یازدهم آمادگی.

«رویدادهای مرتبط با پایان زمان آزمون و کار آماده‌سازی برای زمان تنگی، به روشنی ارائه شده‌اند. اما انبوهی از مردم از این حقایق مهم بیش از آنچه گویی هرگز مکشوف نشده بودند، درکی ندارند. شیطان در کمین است تا هر تأثیری را که ایشان را برای نجات حکیم سازد، بریاید، و زمان تنگی آنان را ناآماده خواهد یافت.»

«هنگامی که خداوند به انسان‌ها هشدارهایی چنان مهم می‌فرستد که به صورت اعلام فرشتگان مقدس که در میان آسمان پرواز می‌کنند به تصویر کشیده شده‌اند، از هر شخصی که از قوای تعقل برخوردار است می‌خواهد که به این پیام گوش فرا دهد. داورهای هولناکی که بر پرستش وحش و تصویر او اعلام شده‌اند (مکاشفه ۹:۱۴-۱۱)، باید همگان را به مطالعه‌ای جدی نبوت‌ها برانگیزد تا دریابند نشان وحش چیست و چگونه باید از دریافت آن اجتناب کنند. اما توده‌های مردم گوش خود را از شنیدن حقیقت برمی‌گردانند و به سوی افسانه‌ها روی می‌آورند. رسول پولس، با نظر به ایام آخر، اعلام کرد: «زمانی خواهد آمد که تعلیم صحیح را تحمل نخواهند کرد.» ۲ تیموتاؤس ۳:۴. آن زمان به طور کامل فرا رسیده است. انبوه مردم حقیقت کتاب مقدس را نمی‌خواهند، زیرا با امیال دل‌گناهکار و دنیاپرست در تعارض است؛ و شیطان فریب‌هایی را که دوست می‌دارند برای ایشان فراهم می‌سازد.»

«لیکن خدا بر زمین قومی خواهد داشت که کتاب مقدس، و تنها کتاب مقدس را، معیار همه تعالیم و اساس همه اصلاحات نگاه دارند. آراء مردان دانشمند، استنتاج‌های علم، اعتقادنامه‌ها یا مصوبات شوراهای کلیسایی، هرچند به شمار کلیساهایی که نمایندگی می‌کنند بسیار و با یکدیگر ناسازگار باشند، و نیز صدای اکثریت—نه هیچ‌یک از اینها و نه همه آنها با هم—نباید دلیلی بر له یا علیه هیچ نکته‌ای از ایمان دینی شمرده شوند. پیش از آنکه هر تعلیمی یا حکمی را بپذیریم، باید برای تأیید آن، «خداوند چنین می‌فرماید»ی آشکار مطالبه کنیم.

«شیطان پیوسته می‌کوشد به جای خدا، توجه را به انسان معطوف سازد. او مردم را بر آن می‌دارد که به جای آن که برای آموختن وظیفه خویش شخصاً در کتاب مقدس جست‌وجو کنند، به اسقفان، شبانان و استادان الهیات به‌عنوان راهنمایان خود بنگرند. آنگاه، با در اختیار گرفتن اذهان این رهبران، می‌تواند انبوه مردم را مطابق اراده خود تحت تأثیر قرار دهد.» نزاع عظیم، 594، 595.

ما این مطالعه را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.